

تئوریسین اصلاحات معتقد است جمله منسوب به داریوش که می‌گوید «خداوند این سرزمین را از دروغ و خشکسالی دور نگه دارد همچنان راهگشاست».

حاکمیت باید در الگوی بازداشت‌ها تجدیدنظر کند؛



به گزارش اسپادانا خبر، سعید حجاریان در پاسخ به این سوال که آیا شما به افول سرمایه اجتماعی باور دارید؟ به روزنامه همشهری گفته:

«سرمایه اجتماعی» را به منظور فهم بهتر می‌توان به «اعتماد» ترجمه کرد و حول مقولاتی مانند اعتماد به نفس، اعتماد به دیگری و اعتماد به دولت تحلیل‌هایی ارائه داد. بر این اساس، معتقدم اعتماد در هر ۳ سطح با بحران و افول مواجه شده است اما درباره اعتراضات اخیر اینکه بگویم اعتراضات ناشی از کاهش سرمایه اجتماعی بوده تا حدودی درست است. مردم مستأصل و بی‌اعتماد به صفت فردی به صحنه آمدند، در خیابان یکدیگر را پیدا کردند و پس از آن، مستقلاً و منفرداً تصمیم به اقدام گرفتند؛ یعنی زیر بیرق کسی نرفتند که این خود نشانه از هم گسیختگی و سازمان‌نیافتگی جامعه است. البته ناگفته نماند این اعتراضات در مناطقی مانند «جراحی» در استان خوزستان یا «شهر صدرا» در استان فارس صورت قوم‌مدارانه به‌خود گرفت و نشانه‌هایی از همبستگی بروز کرد؛ امری که به‌عنوان مثال در حاشیه تهران رخ نداد.

او در پاسخ به این سوال که به‌نظرتان عوامل شکل‌گیری این یأس اجتماعی و بی‌اعتمادی مردم به مسئولان در کجا ریشه دارد؟ می‌گوید:

طبیعتاً می‌توان شمار زیادی از مؤلفه‌ها را فهرست کرد اما من معتقدم ریشه این مسئله را باید در «دروغ» بجویم. زمانی که دروغ فراگیر می‌شود، گفتمان توجیهی حکومت از میان می‌رود. علاوه بر دروغ نباید از «فساد» غافل شد. واقعیت این است که ما با اشکال متنوعی از فساد، در حجم‌های بزرگ مواجه هستیم که هنوز ابعاد آن کشف نشده است. این فسادها لزوماً مربوط به یک دوره و دو دوره نیستند. متأسفانه رویه رایج در ایران پسانقلاب اینگونه بوده که سرمایه اجتماعی به وسیله «سرمایه فسیلی» خریداری شده است؛ یعنی اگر دومی نبود، اولی هم پلاموضوع می‌شود. مثلاً دولت احمدی‌نژاد درآمد نفتی داشت، پول‌پاشی کرد و تا حدی جلب اعتماد کرد. دولت فعلی چنین درآمدی ندارد و طبیعتاً اعتمادی هم وجود ندارد. درحالی‌که نباید اینطور باشد. ژاپن در جنگ دوم جهانی آه در بساط نداشت اما سرمایه اجتماعی داشت. پس به‌نظر من جمله منسوب به داریوش که می‌گوید «خداوند این سرزمین را از دروغ و خشکسالی دور نگه دارد» همچنان راهگشاست. بدون نفت و فساد می‌شود کشور را اداره کرد اما با دروغ نمی‌شود.

این تئوریسین جریان اصلاحات در پاسخ به این پرسش که برای اقناع مردم چه می‌توان کرد؟ گفته:

اعتماد مردم طی سالیان متوالی از دست رفته است؛ شاید نزدیک به ۲ دهه باشد. برای بازگرداندن اعتماد از دست رفته به همین مدت نیاز داریم آن هم از زبان کسانی که تا به حال به مردم دروغ نگفته‌اند. در بعضی ادعیه می‌گویند از گناہانی که مانع استجاب دعا می‌شوند به خدا باید پناه برد؛ به‌گمانم دروغ مهم‌ترین آنهاست. دروغ ذاتی سیاست نیست. البته که گفته‌اند جز راست نباید گفت و هر راست نشاید گفت. شاید لازم باشد برای اقناع مردم گاهی سکوت کرد. این سکوت تا بالاترین رده‌ها می‌تواند انجام بگیرد. ببینید بعضی راست‌ها برای عده‌ای رانت به بار می‌آورد و بعضی راست‌ها امنیت ملی را به خطر

می‌اندازد. به همان میزان دروغ هم ممکن است چنین نتیجه‌ای بدهد. پس گاهی باید سکوت کرد چون سیاست‌ورزی با دروغ سرشته ندارد، هر چند در جهان امروز همگان دروغ می‌گویند. اخیراً کتابی می‌خواندم، با عنوان moneyland که امیدوارم ترجمه آن به زودی منتشر شود. این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه دولت‌های دزدسالار با اتکا به دروغ و حیل و حقه اصطلاحاً جیب مردم را خالی می‌کنند. ما باید با خواندن این قبیل متون و تطبیق برخی الگوها مهندسی معکوس کنیم.

حجاریان گفته با ایده همه‌پرسی همدل نیست؛ رفراندوم ملزوماتی دارد که با توجه به وضعیت کنونی محتوایش را از دست خواهد داد. لذا عقیده دارم ابتدا باید یک حکمرانی خوب برقرار شود و سپس، آن نوع حکمرانی برای امور خاصی از مردم نظرخواهی کند. این در حالی است که فرض سؤال شما و ایده‌های برخی دوستان مخالف نظر من است و معتقدند همه‌پرسی ابتدای مسیر اصلاح است. ما نباید در تحلیل‌ها و سیاست‌ورزی‌مان واقعیت‌ها را نادیده بگیریم. شما به قانون اساسی مراجعه کنید؛ مطابق اصل پنجاه و نهم درخواست مراجعه به آرای عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. با توجه به کیفیت مجلس فعلی و پیش‌بینی‌ها نسبت به وضعیت مجلس آینده همه‌پرسی خسارت‌بار خواهد بود. از طرفی، در صورت وجود مجلس با کیفیت، طبق اصل ۹۹ قانون اساسی این بار ناظر استصوابی که علاوه بر شکل، در محتوا هم دخالت می‌کند، وارد پروسه می‌شوند. حال فرض کنیم همه این مقدمات فراهم شود. این بار مردم باید رأی آری یا خیر بدهند که این خود نقطه شروع دعوا خواهد بود.

او می‌گوید انتخابات تا حدودی می‌تواند ظرفیت کاهش شکاف مردم و حاکمیت را ایجاد کند اما برای ما مسئله انتخابات مانند قصه آزادی بیان است. آزادی بیان و ابراز عقیده وجود دارد اما آزادی پس از بیان مهم است؛ مانند بیانیه ۷۷ نفر. به هر تقدیر می‌شود انتخابات آزاد برگزار کرد اما آیا نمایندگان می‌توانند به هر موضوعی ورود کنند؟ ما باید به نیمه دوم بازی انتخابات توجه داشته باشیم. پس از انتخابات، مجلس باید تنها مرجع قانونگذاری بشود، بر همه امور نظارت کند، چنان‌که بخواهد استیضاح کند و در یک کلام، از اختیاراتش بهره بگیرد؛ اما این امور دشوار هستند. برای فهم بهتر وضعیت کشور شما را به تفاوت نظام‌های پارلمانی و ریاستی ارجاع می‌دهم. در اولی، پارلمان در رأس امور است و در دومی، دولت. نظام ما کدام یک از این دو است؟ من معتقدم ریاستی است و کیفیت آن را در یادداشت «رئیس‌جمهور یا رئیس‌جمهوری» توضیح داده‌ام. اما بر نظام‌های ریاستی عیوبی از جمله حکومت مادام‌العمر مترتب است. از طرف دیگر باید به نکته‌ای توجه کنیم. امام خمینی(ره) حدود ۲۰ نوبت از عبارت «در رأس امور است» استفاده کرده است و آن را به اموری مانند کشاورزی، نماز جمعه، مجلس، تهذیب نفس، رأی دادن و... نسبت داده است. این در رأس امور بودن مرادف اهمیت است نه قرار داشتن در بالاترین درجه. پس نباید پارلمان را بیش از اندازه بزرگ کنیم و نقشی تخیلی برایش قائل شویم.

حجاریان می‌گوید آزادی زندانیان سیاسی می‌تواند مؤثر خواهد بود مشروط بر آنکه فعالان اصلاح‌طلب را مجدداً احضار و بازجویی و بازداشت نکنند. از طرف دیگر، حاکمیت باید در الگوی بازداشت‌ها تجدیدنظر کند. تعداد زیادی از بازداشت‌شدگان آبان‌ماه حاشیه‌نشین بودند نه سیاسی. بازداشت اینها تأثیری ندارد و ممکن است دوباره ظهور کنند؛ این بار با خشم بیشتر.

برجسب ها: [اصلاحات](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[رفراندوم](#) [3]